



کریم امامی

کارگاه ترجمه (۱۳)

نکاتی دربارهٔ معادل‌یابی برای ضمایر سوم شخص

بحث امروز ما دنبالهٔ مبحث معادل‌یابی برای ضمایر انگلیسی در زبان فارسی و برعکس است. در کارگاه ترجمهٔ ۱۰ به ضمایر دوم شخص پرداختیم و اینک به ضمایر سوم شخص می‌پردازیم.

الف) در ترجمه از انگلیسی به فارسی

● مورد ضمایر فاعلی he , she (فارسی: او، وی، آن مرد، آن زن)

تفاوت مترجم تازه کار با مترجم کهنه کار خیلی زود روشن می‌شود و یکی از موارد اختلاف کار آن دو چگونگی برگرداندن ضمایر انگلیسی و مخصوصاً ضمایر سوم شخص مفرد است. ببینید:

نمونهٔ اول: "بیش از سه ماه نمی‌شده که او [=مادر] روی همین صندلی نشسته بود... و گفته بود: "خداوندا، سپاسگزارم." وی [=مادر] این جمله را با خشوع و احترام ... ادا کرده و از اینکه خداوند به دخترش سر و سامان بخشیده است سپاسگزاری کرده و شکر او [=خداوند] را به جا آورده بود؛ دختری که تصور می‌کرد تا پایان عمر سربار او [=مادر] خواهد بود... او [=مادر] نمی‌دانست چه چیز باعث شده که این نجیب‌زاده [=آقای آلفرد نوبل] شیفتهٔ دخترش شود و یا چه قسمت از وجود او [=دختر] آقای نوبل را مجذوب کرده بود."

یک رمان ترجمه‌شدهٔ چاپ ۱۳۷۷، که مشخصات آن در بایگانی کارگاه محفوظ است.

نمونهٔ دوم: "تنها بعد از آن‌که از خداوند برای بلایی که بر سر خانه‌اش آورده بودند طلب بخشایش می‌کرد، می‌پذیرفت که چیزی بخورد و بنوشد، آن هم فقط لقمه‌ای یا جرعه‌ای از هرچه مردم دهکده... برایش فراهم می‌کردند. خوابیدن در اتاق و زیر سقف را خوش می‌داشت، و اغلب در هر خانه‌ای که مردم دهکده با خوشرویی تعارفش می‌کردند می‌خوابید، اما مردمی که به او [=کشیش] جای می‌دادند هیچ وقت ندیده بودند که در نئو یا بر تختی که شتابان سرهم‌بندی می‌شد یا بر تشکی که به او [=کشیش] می‌دادند خفته باشد."

جنگ آخر زمان. ماریو بارگاس یوسا/ عبدالله کوثری. نشر آگه، ۱۳۷۷، ص ۱۱

در نمونه‌های بالا کلمات داخل کروشه افزوده نگارنده است. برای نشان دادن اسم‌هایی که مرجع ضمیر "او" هستند. تفاوت بارز دو نمونه در واقع در کثرت استفاده از "او" در نمونه اول و قلت کاربرد آن در نمونه دوم است. برای این که ببینید مترجم نمونه دوم چه تعداد "او" و "آنها"ی بالقوه را از متن خود حذف کرده به همان نمونه در شکل زیر توجه بفرمایید:

نمونه دوم مکرر: تنها بعد از آن که [او] از خداوند برای بلایی که [آنها، مردم دهکده] بر سر خانه‌اش [خانه خدا] آورده بودند طلب بخشایش می‌کرد، می‌پذیرفت که چیزی بخورد و بنوشد، آن هم فقط لقمه‌ای یا جرعه‌ای از هرچه مردم دهکده... برایش فراهم می‌کردند. [او] خوابیدن در اتاق و زیر سقف را خوش می‌داشت، و اغلب در هر خانه‌ای که مردم دهکده [آنها] با خوشرویی تعارفش [به او، کشیش] می‌کردند می‌خوابید، اما مردمی که به او جای می‌دادند هیچ وقت ندیده بودند که در نئو یا بر تختی که شتابان سرهم‌بندی می‌شد یا بر تشکی که به او می‌دادند خفته باشد.^۱

در انگلیسی برای ارجاع به سوم شخص مذکر و مؤنث غایب در حالت فاعلی به ترتیب ضمائر he و she را داریم و در حالت مفعولی him و her را، و در فارسی برای همین چهار مورد فقط "او" را داریم. و مشکل از همین جا ناشی می‌شود. ترجمه مکانیکی همه این موارد به "او"، بدون توجه به شگردهایی که فارسی‌نویسان به طور معمول برای اشاره به شخص یا اشخاص غایب دارند، اغتشاش ایجاد می‌کند، در حدی که گاه در یک جمله واحد یک "او" به زن برمی‌گردد و "او"ی دیگر به مرد، و گاه در چنین مواردی است که شخص ناچار می‌شود دست به دامن معادل‌های نادلچسب «آن مرد» و «آن زن» بشود.

تمهیدات زبان فارسی برای این که استفاده از ضمائر و مخصوصاً ضمیر "او" را به حداقل برساند این هاست:

۱. حذف. صرف فعل در زبان فارسی به گونه‌ای است که می‌توان از شکل هر صیغه فعلی به فاعل فعل پی برد. "رفتم" یعنی "من رفتم" و "رفت" یعنی "او رفت". در بیشتر موارد به راحتی می‌توان فاعل را حذف کرد مگر این که قصد تأکید داشته باشیم. در دو سه جمله زیر نویسنده که به اصول سنتی فارسی نویسی تسلط تحسین‌انگیزی دارد همه ضمائر فاعلی را حذف کرده است.

"اولین بار که [من] ترلان را دیدم تابستان بود. [او، آن مادیان] جل چهارخانه سبکی به نرمی و نازکی حریر پوشیده بود. [او] با نگاه‌های حرف می‌زد. برای آن که از بند رها شود و جلوه‌گری کند، [او] شیئه کوتاهی کشید و دست بر زمین کوفت. مهتری سبک پا بر دوشش پرید و او را به حرکت درآورد. آن جنبش و چرخش و گردش را [من] هیچ‌گاه از یاد نمی‌برم. [ترلان] یال‌ها را به یکسوی گردن افشانده و موجی از ناز و غرور بر سرم ریخت."^۱

بخارای من. ایل من. محمد بهمن بیگی، انتشارات آگاه، ۱۳۶۸، ص ۳۶

۱. نویسنده در صحبت از اسب‌ها به طور معمول از ضمیر جمع "آنها" استفاده می‌کند، جز در مورد مادیان قهرمان داستان که همیشه "او" است.

۲. تکرار اسم. در حالت فاعلی تکرار اسم و پرهیز از کاربرد ضمیر مبهم "او" به شفافیت معنی کمک می‌کند و در فارسی نویسی -اصیل بسیار رایج است. یک نمونه از نویسنده‌ای که سبک و سیاق نثرش عیناً همان زبان گفتار بچه‌های تهران یکی دو نسل پیش است:

"آقای احمدی همیشه یک چوب توی آستین‌اش بود، برای این‌که وقتی می‌خواست مج بگیرد بچه‌ها در نروند. چون آقای احمدی که ظاهر می‌شد بچه‌ها از دور و ور مثل گنجشک در می‌رفتند. آقای احمدی چوب را توی آستین‌اش قايم می‌کرد که کسی خیال بد نبرد."

بنا: چند قصه. پرویز دوابی. انتشارات زمينه. ۱۳۶۰، ص ۷۹

۳. استفاده از ضمایر مفعولی متصل (م، ت، ش، مان، تان، شان) به جای ضمایر شخصی منفصل. به زبان ساده یعنی "دیدمش" به جای "او را دیدم" و "گفتمش" به جای "به او گفتم". به طوری که ملاحظه می‌کنید در هر دو حالت مفعول به واسطه و بی واسطه از این ضمیرهای متصل (بیوسه) می‌توان سود جست. از نظر معنی شفاف‌تر از ضمایر منفصل نیستند ولی در سیاق کلام تنوع ایجاد می‌کنند و ابزاری هستند که یک نویسنده توانا از آنها می‌تواند به خوبی استفاده کند. ببینید:

"حتی ناداری را می‌توان از یاد برد، اما برخورد دو غریزه را نه!... نمی‌توان حلش کرد. نمی‌توان همش کرد. گرهی نیست که بتوان بازش کرد. نه به دست و نه به دندان."

جای خالی سلج. محمود دولت‌آبادی. انتشارات آگاه. ۱۳۵۸، ص ۳۰۵

۴. استفاده از بعضی ضمایر عربی. خوشبختانه تأثیر زبان عربی بر نثر فارسی طی شصت هفتاد سال گذشته به شدت کاهش یافته. اگر به روزنامه‌های دهه ۱۳۱۰ و حتی ۲۰ و ۳۰ دسترسی پیدا کنید از کثرت کاربرد "مشارالیه" (به جای اوی مذکر) و "مشارالیها" (به جای اوی مؤنث) و "معظم‌له" (به جای ایشان در حالت احترام آمیز) حیرت خواهید کرد. این ضمایر مشخص هنوز هم در تنظیم لایحه‌های قضایی و اسناد محضری کاربرد دارند. استفاده از این ضمایر را به مترجمان جوان توصیه نمی‌کنم ولی سود جستن از آنها گاهی می‌تواند راه گشا باشد، مخصوصاً در متونی که حال و هوای قدیمی دارند، مثل این تکه:

دیروز مستخدمان بانویی موسوم به مادام هانری فورنی که در خانه ویلایی کوچکی در خیابان اُسترلیتز سکونت دارد به پلیس گزارش دادند که مشارالیها دیوانه شده است.

ماجراهای شرلوک هولمز، کارآگاه خصوصی. ج ۴، ص ۱۹۱

خب، آنچه تا اینجا گفتیم برای این بود که شما، خوانندگان جوان را از استفاده چشم‌پسته از "او" به جای همه he و she ها برحذر داریم و توجه شما را به بعضی از امکانات دیگر زبان فارسی در این زمینه جلب کنیم. اینک بعضی موارد دیگر:

● مورد استفاده از "ایشان" به جای he

همان طور که در فارسی وقتی می‌خواهیم شخص واحدی را با احترام مورد خطاب قرار دهیم از دوم شخص جمع استفاده می‌کنیم و نه دوم شخص مفرد، این مورد در سوم شخص مفرد هم صادق است. در انگلیسی می‌گوییم He said و در فارسی اگر اشاره به شخص محترمی داشته باشیم، می‌گوییم "ایشان" فرمودند" یا "گفتند". در انگلیسی در همه این موارد و حتی در مورد "خداوند" از ضمائر سوم شخص مفرد و صیغه‌های صرفی متناسب با آنها استفاده می‌شود. بنابراین مواظب باید بود و از فہوای کلام زمان استفاده از لحن احترام آمیز را دریافت. کاربرد افعال و ادوات ادای احترام به همراه یک سلسله تعارفات مرسوم در زبان فارسی برای خودش مقوله‌ای است.

● مورد ضمیر فاعلی it (فارسی: آن)

در این مورد بحث زیادی نداریم جز این که بگوییم بهتر است "آن" به جای it در حالت فاعلی هر کجا که قابل حذف باشد حذف شود و هر جا که قابل حذف نیست اصل اسم مرجع ضمیر تکرار گردد. "آن" در آغاز جمله معادل مناسبی است برای that. و به یاد داشته باشیم که it در افعال غیر شخصی (مثل It is raining.) هم اصلاً ترجمه نمی‌شود.

● مورد ضمیر فاعلی they (فارسی: آنها، آنان، ایشان)

همه می‌دانیم که در فارسی برابرهای مرسوم برای they "آنها" (یا "اونا" در زبان گفتار)، "آنان" و "ایشان" است. تکلیف "ایشان" روشن تر است، چون برای غیرانسان به کار برده نمی‌شود. یا مرجع "ایشان" شخص شخیص محترمی است که به صیغه جمع ارتقاء یافته، و یا صحبت از جمعی افراد غایب است. "آنها" برای ذیروح و غیرذیروح هر دو کاربرد دارد و "آنان" به توصیه ادباً تنها در اشاره به اشخاص. "آنها" و "آنان" راهم می‌توان به همان ترتیبی که در مورد "او" گفتیم حذف کرد. همچنین "ایشان" را.

● مورد ضمائر مفعولی him, her, it (فارسی: او را، آن را، ش)

در مروری که در پاره‌ای متون فارسی در تدارک نوشتن کارگاه حاضر می‌کردم، در واقع به "او"ی مفعولی (به او، او را) بیشتر برخوردیم تا به "او"ی فاعلی. نویسندگان اکثر "او"های فاعلی را حذف کرده و آنها را به صورت ضمیر پنهان (مُستتر) در آورده بودند. یکی دو نمونه از کاربرد ضمائر مفعولی سوم شخص در ترجمه‌های خودم:

"از طرف خلنگ‌زار نمی‌توانست رفته باشد، چون اگر از آن طرف رفته بود من او را

همان مأخذ، ص ۴۸

می‌توانستم ببینم."

"علاوه بر این، صدها پرونده خصوصی به او ارجاع می‌شد که بعضی از آنها دارای ماهیتی بسیار پیچیده و غیر عادی بودند.
همان، ص ۴۰

● مورد ضمیر مفعولی them (فارسی: آنها را، آنان را، شان)

موردی که در اینجا نیاز به تأمل دارد، استفاده از "آنها" برای غیر ذیروح در حالت جمع است که در ترجمه معادل them می‌شود. تأمل بر سر این است که در چنین موردی در مقابل them "آنها را" بگذاریم یا "آن را". گرایش جوانانه استفاده از "آنها" ست ولی مترجمان باتجربه تر ممکن است با تبعیت از قاعده استفاده از فعل مفرد برای هر چند تا شیء غیر ذیروح استفاده از "آن" را ترجیح دهند. یک نمونه:

"... یادداشت‌هایی از صدها پرونده دیگر در اختیار دارم که هیچ‌گاه به آنها اشاره نکرده‌ام."

همان، ص ۱۷۰

ب) از فارسی به انگلیسی

در ترجمه از فارسی به انگلیسی بیشتر توصیه‌های خود را باید بر عکس کنیم. طبعاً باید به روال طبیعی سخن گفتن و نوشتن مردمان تحصیل کرده انگلیسی زبان عمل کرد و همه ضمائر را، چه آشکار و چه پنهان، در جای درست خود در جمله قرار داد. در ترجمه ضمائر رعایت مفرد و جمع و مذکر و مؤنث و انتخاب درست حالت‌های فاعلی و مفعولی از اصول اولیه کار است. یکی دو مورد خاص که نیاز به توضیح بیشتر دارد:

● تشخیص جنسیت "او".

همان‌طور که قبلاً یادآوری کردیم "او" در فارسی ذوجنبتین است، هم به مرد برمی‌گردد هم به زن. در برگرداندن "او" به انگلیسی تکلیف باید روشن باشد که با اوی مذکر سروکار داریم یا با اوی مؤنث. در بیشتر موارد تشخیص مشکل نیست (مگر احیاناً در موردی که صحبت از شخصی باشد مثل پروین گنابادی که مترجم نا آشنا با آن مرحوم وی را بانوی فرهیخته‌ای تشخیص دهد و ضمیر مؤنث به کار ببرد).

ولی "خداوند" را در ترجمه به انگلیسی چه کنیم؟ موهبت‌های "او" را با چه ضمیری به انگلیسی برگردانیم؟ بگوییم His bounty یا Her bounty؟ در انگلیسی معمولاً از خداوند به صیغه مذکر سخن گفته می‌شود. ما هم در ترجمه خدا را با ضمائر مذکر به انگلیسی برمی‌گردانیم، هر چند که پروردگار ما مسلمانان چیزی است در ورای جنسیت و ایهام "او" در این مورد خاص کاملاً کارساز است.

چند سال پیش در ترجمه غزلی از حافظ، که به نگارنده تکلیف شده بود، موردی از این دست پیش آمد، که نیاز به قدری نازک اندیشی داشت. مطلع غزل این است:

شربتی از لب لعلش نجشیدیم و برفت
روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت

اگر قرار باشد برای ترجمه این شعر ظاهر کلام را آنچنان که هست مورد قبول قرار دهیم می بینیم که از زبان یک مرد (حافظ) ولی به صیغه جمع صحبت از هجران معشوقی است و طبیعی است که در این حالت در انگلیسی از ضمیر مؤنث استفاده کنیم. ولی اگر به سطوح بالاتر شعر برویم و بگوییم حافظ نه از معشوق زمینی که از معبود آسمانی سخن گفته است. آن گاه تمایل به استفاده از ضمیر مذکر پیدا می کنیم. ولی در این حال تصاویر موجود در شعر (مثلاً چشیدن شربت از لب لعل یک موجود مذکر) کار را خراب می کند و به ترجمه ما حال و هوایی نامطلوب می دهد. نگارنده بعد از مدتی سبک و سنگین کردن دو شق امر، سرانجام به این نتیجه رسید که بهتر است به شکل ظاهر شعر وفادار بماند. منتهی برای نشان دادن ابعاد عرفانی مضمون شعر، معشوق (Beloved) و ضمائر مربوط به آن را با حرف بزرگ شروع کرد. صیغه جمع گوینده را هم حفظ کرد تا نشان بدهد معشوق/معبود مورد نظر جماعتی بوده است و نه تنها یک نفر. به این ترتیب:

The Beloved was gone, before we could savour the nectar of Her ruby lips.
She was gone, before we could delve our eyes on Her beautiful face.

● یک مورد مشابه دیگر

یکی از رویدادهای مهم جامعه شناختی در نیم قرن اخیر در مغرب زمین و مخصوصاً در کشورهای انگلیسی زبان جنبش حق خواهی زنان است که در شکل حاد آن "فمینیسم" نام گرفته است. این جنبش تأثیرات قابل توجهی نیز بر زبان انگلیسی گذاشته و دارد تدریجاً رنگ مردسالاری را از واژگان آن زبان می زداید. بیشتر واژه های ترکیب شده با man (مثل chairman) حالا جای خود را به کلمات مرکب ساخته شده با person داده اند (یعنی chairperson) و مترجمان باید از این دیدگاه نیز به کار خود توجه کنند تا از زیر دست شان ناخواسته متنی «مردست» و «زن ستیز» بیرون نیاید. مثلاً اگر از شما بخواهیم جمله زیر را به انگلیسی ترجمه کنید:

"یک مترجم ایرانی نمی تواند تنها با قبول ترجمه های سفارشی امورش را بگذراند."

و شما بنویسید

An Iranian translator cannot earn his living just by undertaking translation commissions.

این جمله به ظاهر درست است ولی یک اشکال اساسی دارد، چون به خواننده القا می کند که مترجم

نوعی الزاماً مذکر است. در حالی که در ایران مترجمان مرد و زن هر دو به فعالیت مشغول‌اند. و بنابراین بهتر است جمله را به شکل زیر اصلاح کنیم:

An Iranian translator cannot earn his or her living just by undertaking translation commissions.

در این گونه موارد درج عبارت‌هایی چون he or she یا him or her در جمله، هرچند که در اصل فارسی به صراحت نیامده باشند، مشکل‌گشا خواهد بود.

● مورد s/he

ما در فارسی شکایت از مبهم بودن ضمیر "او" می‌کنیم و انگلیسی‌ها (و امریکاییان) از فقدان ضمیر سوم شخصی که هم به اوی مذکر برگردد و هم به اوی مؤنث احساس کمبود می‌کنند. یکی از موارد مشخص فقدان چنین ضمیری هنگامی است که یک شخص انگلیسی‌زبان می‌خواهد به نوزادی اشاره کند و نمی‌داند نوزاد پسر است یا دختر. در انگلیسی ضمیر "ذوجنبتین" که نداریم و کاربرد it هم که ویژه حیوان و غیرذیروح است و در شأن نوزاد نیست. پس چه باید کرد؟ تکرار واژه the baby (به جای it) و استفاده از baby's (به جای its).

باری، هنوز رایج‌ترین فرمول برای اشاره به فرد غایب مورد نظر (اعم از مرد یا زن)، he or she است. و به تازگی می‌بینیم که واژه نوظهور s/he (ترکیب شده از he و she) دارد در انگلیسی رسمی و مکتوب، و مخصوصاً در آگهی‌های استخدام، جا می‌افتد. دوستان، مراقب رواج s/he باشید. بحث ما در این کارگاه به درازا کشید و هنوز دو سه نکته کوچک دیگر باقی است. اجازه می‌خواهم کارگاه را در همین جا تعطیل کنم و نکات باقیمانده را در کارگاه‌های آینده، همراه مطالب دیگر به عرض تان برسانم.

تصحیح و بوزش

در شماره قبل (صفحات ۱۰۶-۱۰۵)، بخش انتهایی نوشته آقای مخبر حذف شده بود که با عرض بوزش، در زیر می‌آید:

در مورد واژه‌نامه غالباً ماجرا به این صورت است که ناشران در مورد گنجاندن یا نگنجاندن آن در کتاب تصمیم‌گیری می‌کنند. به گمان نگارنده واژه‌نامه در صورتی ضرورت دارد که تعداد معادلهای جدیدی که مترجم ناگزیر از وضع آنها شده است قابل توجه باشد. در غیر این صورت درج واژه‌های وضع شده یا کلیدی در پانویس کفایت می‌کند و تکرار معادلهای به کرات استفاده شده در انتهای بسیاری از کتابها زاید است. در مورد اثر حاضر نیز واژگان تازه یا مهم در پانویس درج شده‌اند و حتی اگر واژگانی هم در انتهای کتاب می‌آمد، واژگان مورد نظر منتقد به دلیل کلیدی نبودن در آن درج نمی‌شد.

در پایان از آقای دکتر کیوانی به خاطر بذل توجه‌شان سپاسگزارم و اضافه می‌کنم که به نظر می‌رسد عنوان صحیح این بخش از نشریه "معرفی کتاب" باشد، مگر آنکه محتوای مطالب تغییر کند.